



روابط تجاری با جمهوری اسلامی پاکستان

از لحاظ تاریخی بخشی از روابط تجاری افغانستان با پاکستان بر میگردهد با روابط تجاری افغانستان با انگلستان. هنگامیکه انگلستان بخشهای از خاک افغانستان را که حالا تقریباً نیمی از خاک پاکستان را تشکیل میدهد تحت تسلط خویش درآورده و افغانستان را از داشتن راه بحری محروم و به کشور محاط به خشکه مبدل ساخت و خود در همسایه گی افغانستان قرار گرفت، به شکل ناگزیری تبادل اموال بین افغانستان و هند برتانوی صورت میگرفت که در بخش تاریخچه روابط تجاری افغانستان با هند بصورت مفصل توضیحات ارائه گردیده است. لازم به تذکر است که افغانستان قبل از تقسیم هدفمند نیم قاره هند توسط انگلیسی ها بنابر محدود شدن تجارت در سرحدات به مشکلاتی مواجه بوداما مال التجاره افغانی علیرغم بعضی محدودیت ها و موانع به هند و سایر کشور ها ولو به صورت غیر مستقیم و به پیمانۀ کم صادر میشد. نظر به شواهد تاریخی تجارت با هند برتانوی طوریکه ذکر شد تجارت صرف در سرحدات افغانستان صورت میگرفت و تجارت خارجی افغانستان در سرحدات در دست تاجران هندی، یهودی و انگلیسی بود. پس از استقلال نیم قاره هند بر اساس پالیسی های دشمنانه انگلیسی ها با افغانستان، که هند برتانوی را به دو کشور هند و پاکستان تقسیم نمودند، پاکستان بالای سرزمین های اشغالی افغانستان توسط انگلیسی ها به عنوان یک کشور جدید در نقشه جهان پا به عرصه ی وجود گذاشت و با داشتن حدود ۲۲۴۰ کیلومتر از شرق و جنوب با افغانستان به عنوان همسایه قرار داده شد، بنابراین تجارت افغانستان به طور مستقیم با پاکستان آغاز گردید. روابط سیاسی افغانستان با پاکستان متکی بر اعلامیه مؤرخ اول حوت ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) و با تشکیل نمایندگی های سیاسی در کشور های متقابل به سطح سفیر آغاز شد. روابط تجاری اجباری و ناگزیری به شکل کجدار و مریز بین هر دو کشور دوام یافت و در درآزمون زمان قرارداد داشت تا اینکه دولت پاکستان در ماه اگست (۱۹۶۱) امر بسته شدن قونسلخانه ها و وکالت تجاری های افغانستان را در پیشاور و کویت به عنوان مداخله کارمندان آن در امور داخلی پاکستان صادر نمود، در جواب حکومت افغانستان توسط یادداشت مورخ ۳۰ ماه اگست پاکستان را به قطع مناسبات سیاسی تهدید کرد و چون آن دولت بر تصمیم خود پافشاری نمود، افغانستان در ۳ سپتمبر (همان سال) سرحد را مسدود ساخته به دنبال آن مناسبات سیاسی اش را با پاکستان قطع کرد. حکومت محمد داود خان با این اقدام مهمترین وسیله ارتباط را با جهان خارج با حق عبور اموال و افراد از خاک پاکستان و دسترسی بدریاهای آزاد که در معاهدات دوجانبه عرف و رواج و مقوله های بین المللی مسجل شده بود داوطلبانه از دست داد و مشکلات بی نهایت بزرگ را برای خود و عامه مردم، بازرگانان و کشورها و موسسات کمک دهنده به افغانستان فراهم کرد بدون آن که در مقابل هیچگونه منفعتی از آن بدست آورده باشد.

درک علت اصلی این اقدام شگفت انگیز، کار دشوار است زیرا دلایلی که بر مبنای نا ممکن بودن تجارت و ترانزیت در شرایط مسدود بودن قونسلخانه و وکالت تجاری ذکر شد، بنیاد استوار نداشت و اگر هم این ادعا درست می بود، منفعت افغانستان در آن بود که می گذاشت پاکستان راه عبور اموال را مسدود سازد و نگوشت بین المللی به آن متوجه گردد. یگانه علت که بتواند تصور کرد این است که اولیای امور گمان می کردند متحدین پاکستان و در مرحله نخست امریکا نمی توانند مقاطعه افغانستان را با جهان غرب تحمل نمایند و پاکستان را وادار می سازد تا راه را دوباره مطابق شرایط افغانستان باز کند و باین صورت زمامداران افغانستان در نزد افکار عامه به پیروزی رایگان و دست کم ارزان نایل می شوند، اما غافل از آنکه نه کشور های غربی و اسلامی به آن اندازه که ایشان حدس می زدند با افغانستان علاقمند بودند و نه پاکستان تا به آن حد خود را به پیروزی از نظر ایشان مجبور می شمرد. * فرهنگ، میرمحمد صدیق - افغانستان در پنج قرن اخیر صفحه ۶۰ بعد از خصومت پاکستان و انسداد تجارت ترانزیتی افغانستان مشکلات اسعاری کشور بیشتر گردید و بازار سیاه وسیعتر شد. طبعاً این بحران اقتصادی، بر اوضاع اجتماعی کشور نقش خود را بجا می گذاشت افغانستان در مسیر تاریخ ۲ ص دولت پاکستان از همان شروع ایجاد تا امروز اکثراً از سیاست تزویر و ایجاد موانع در مقابل افغانستان استفاده نموده است که هم برای همسایه خویش (افغانستان) مشکل آفرینی نموده و هم خود را به چالشهای مواجه ساخته است، گرچه راه های دیگری هم برای رفع مشکلات و سوء تفاهات وجود دارد و آن عبارت از همکاری ها و همگرایی اقتصادی است که میتوان با تامین چنین همکاری ها مشکلات را تقلیل بخشید و شرایط همکاری های همه جانبه را بوجود آورد تا مردمان هر دو کشور بتوانند در شرایط صلح از داشتن چنین همکاری هاستفید گردند. به هر حال به این سؤال، تاریخ پاسخ خواهد داد گرچه چنین حوادث و عدم تفاهم ها چندین مرتبه دیگر در حواشی ثقلت ماجرای باجور نیز رخ داده است. همچنانیکه تاریخ روابط سیاسی میان افغانستان و پاکستان از بدو ایجاد و تشکیل پاکستان در سال ۱۹۴۷ مملو از فراز و نشیب های متعدد و پر تنش بوده، بد بختانه در سایه آن، روابط تجاری هم به همان منوال رقم خورده است. با برقراری مناسبات سیاسی و دیپلماتیک میان افغانستان و پاکستان در ماه فبروری سال ۱۹۴۸، موافقتنامه ها، پروتوکولها و تفاهمنامه ها ی ذیل بین دو کشور به امضاء رسیده است:

- در جون سال ۱۹۵۷ پروتوکول همکاری در عرصه خدمات هوایی با امضاء رسید که رئیس هیأت افغانی عبدالحی عزیز رئیس امور پلانگذاری و مشاور وزارت امور خارجه و ریاست هیئت پاکستانی را شیخ محمد باقی مدیر عمومی هوانوردی به عهده داشت.
- در ماه می سال ۱۹۵۸ نخستین پروتوکول ترانزیت میان افغانستان و پاکستان عقد گردید که از جانب افغانی غلام محمد شیرزاد وزیر تجارت وقت و از جانب پاکستان امجد علی خان وزیر مالیه پاکستان آنرا با امضاء رسانید.
- در ماه مارچ سال ۱۹۶۴ پروتوکول ترانزیت بار دیگر تجدید و پروتوکول متذکره توسط محمد سرور عمر معین وزارت تجارت وقت افغانستان و وحید الزمان وزیر تجارت پاکستان به امضاء رسید.
- در ماه جون سال ۱۹۶۴ پروتوکول عواید گمرکات هوایی میان آریانا افغان هوایی شرکت و PIA به امضاء رسید.

- موافقت نامه ترانزیتی بین افغانستان و پاکستان بتاريخ ۱۱حوت ۱۳۴۳ مطابق ۲مارچ ۱۹۶۵در شهر کابل بین محمد سرور عمر وزیر تجارت افغانستان و وحیدالزمان وزیر تجارت پاکستان به امضاء رسید.
- در ماه جون سال ۱۹۶۵ پروتوکول توريد روغن نباتی توسط غلام سرور ناشر رئیس شرکت سپین زر و گلجان رئیس (پیورگی اندستری آف پاکستان) به امضاء رسید.
- در سال ۱۹۶۶ پروتوکول تمديد واحداث خط ریل چمن و سپین بولدک توسط عبدالوهاب حیدر معین وزارت پلان و معین الدین کمشنر خط ریل پاکستان امضاء گردید.
- در ماه اگست سال ۱۹۶۶ پروتوکول توريد ۲۰ هزار تن مواد نفتی از پاکستان در کابل به امضاء رسید.
- در سال ۱۹۷۷ تحویلدهی مقدار ۲۰ هزار تن کود کیمیای از افغانستان به پاکستان امضاء گردید.
- در سال ۱۹۹۲ مبلغ ۲۰ میلیون کددار از جانب میا محمد نواز شریف صدراعظم پاکستان با اولین حکومت مجاهدین مساعدت گردید که چک مبلغ متذکره را نواز شریف صدراعظم پاکستان به صبغت الله مجددی رئیس اداره مؤقت تسلیم نمود.
- در همین دور موافقتنامه تمديد پایپ لاین گاز و خط ریل میان افغانستان ، پاکستان و ترکمنستان عقد گردید . در ماه اکتوبر سال ۱۹۹۲ موافقتنامه های ذیل توسط پروفیسور برهان الدین ربانی و میا محمد نواز شریف صدراعظم پاکستان عقد گردید :

- در تامین صلح دوامدار ایفا نمودن نقش پاکستان .
- صدور همه ساله مقدار ۵۰ هزار تن گندم تحت عنوان مساعدت به افغانستان.
- همکاری در مورد ادویه جات ، کود کیمیای و وسایل زراعتی با افغانستان.
- مساعدت با افغانستان در مورد دستگاه مخابراتی لته بند.
- همکاری ترمیم عراده جات و سایر بخش های ترانسپورتی با افغانستان
- وعده همکاری توريد ادویه جات به شفاخانه ها و کلنیک های افغانستان، البته باید گفت که این توافقات که همه جنبه سیاسی داشته، اکثراً جنبه تطبیقی نداشته است.^{۱۱}
- بعد از توافقات بن و تشکیل اداره مؤقت در افغانستان ، پاکستان در کنفرانس توکیو مبلغ حاوی ۱۰۰ میلیون دالر امریکائی را با افغانستان وعده همکاری نمود. در سال ۲۰۰۴ طی یک سفر کوتاه میر ظفر الله جمالی صدراعظم پاکستان خاطر نشان ساخت تا افغانستان طرز مصارف مبلغ متذکره را با جانب پاکستان ارائه نماید .در حال حاضر مبادله اموال تجارتي میان افغانستان و پاکستان بخصوص صادرات طور کجدارومریز جریان دارد. طی سالهای گذشته توافقتنامه های ذیل بین هر دو کشور عقد گردیده است.

شماره	عنوان سند حقوقی	امضاء کننده	تاریخ	لسان
۱	موافقتنامه بین دولت انتقالی اسلامی افغانستان، جمهور ترکمنستان و جمهوری اسلامی پاکستان در مورد پروژه تمديد پایپ لاین گاز	حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان	می ۲۰۰۲	دری انگلیسی

هر دو کشور با هم همسایه (اجباری) دارای فرهنگ و عنعنات مشترک بوده که حد اقل لازم بود، بنابراین وجوه مشترک در جوار همدیگر بدون وقوع تنش ها و تشنجات قابل ذکر در کنار یکدیگر با نظر داشت اصل زیست باهمی و حفظ روابط متقابل زنده گی و کار نمایند. البته مردمان هر دو کشور بنابر روابط عنعنوی، کلتوری و مذهبی مشترک سلسله رفت و آمد ها را تا کنون حفظ نموده و علایق دیرینه اسلاف خویش را روح تازه می بخشند با وجود اینکه اراضی کوهستانی و صعب العبور امتداد سرحد مشترک را تشکیل داده است ولی به هیچ صورت مانع آن نمی گردد تا روابط میان مردمانیکه دارای کلتور و فرهنگ مشترک می باشند تحت تأثیر قرار گیرد.^{۱۰}

پاکستان همواره حتی مناسبات تجاری خویش را با افغانستان از دیدگاه های استخباراتی میبیند درحالیکه روابط خویش را با افغانستان باید از دید همکاری های اقتصادی و تأمین مناسبات دوستانه که بر واقعیتها استوار باشد تنظیم نماید.



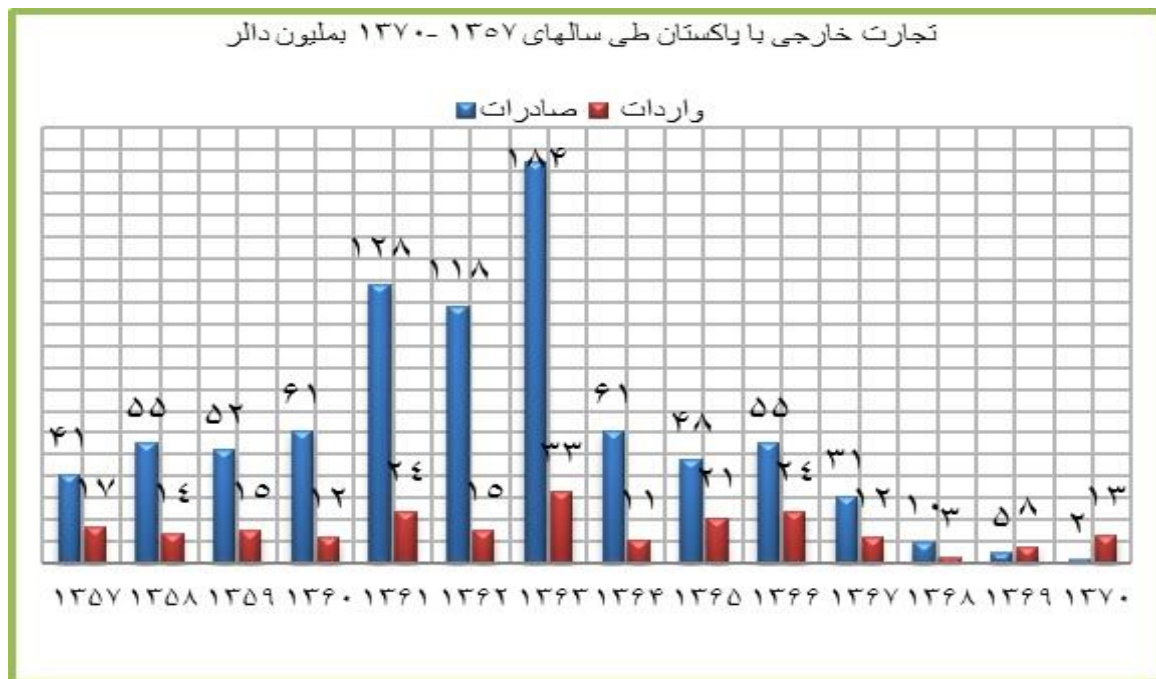
اما پاکستان با وجود چنین روابط ناهمگون و مشمئزکننده، هنوز در تلاش آنست تا نقش کلیدی را در عرصه تجارت در افغانستان ایفا نموده و دست حریفان دیگر را کوتاه سازد درحالیکه با این نوع اعمال خویش در واقع بازنده این میدان است. از آنجائیکه موافقت نامه ترانزیتی سال ۱۹۶۵ جوابگوی نیازمندی های روز نبود قرار شد تا در موافقتنامه ترانزیتی بین افغانستان و پاکستان تجدید نظر گردد. پس از تهیه و تسوید موافقتنامه و چند دور مذاکرات بین طرفین در نهایت، موافقتنامه تجارت ترانزیتی

افغانستان- پاکستان اپتا (APTTA) که نویسنده این سطور نیز در آن سهم برجسته داشت، بین دو کشور در جولای ۲۰۱۰ به امضاء رسید. طی بیش از نیم قرن روابط بین افغانستان و پاکستان، برغم موجودیت موافقتنامه های دوجانبه تجاری و ترانزیتی میان هر دو کشور، ایجاد موانع و مزاحمت ها به طور مستمر ادامه دارد و جانب پاکستان با ایجاد مشکلات عمدی روابط تجاری-ترانزیتی را خدشه دار ساخته و ضررهای اقتصادی و تجاری جبران ناپذیری را به افغانستان وارد نموده و می نماید.

دوران تجارت با پاکستان طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۷۰

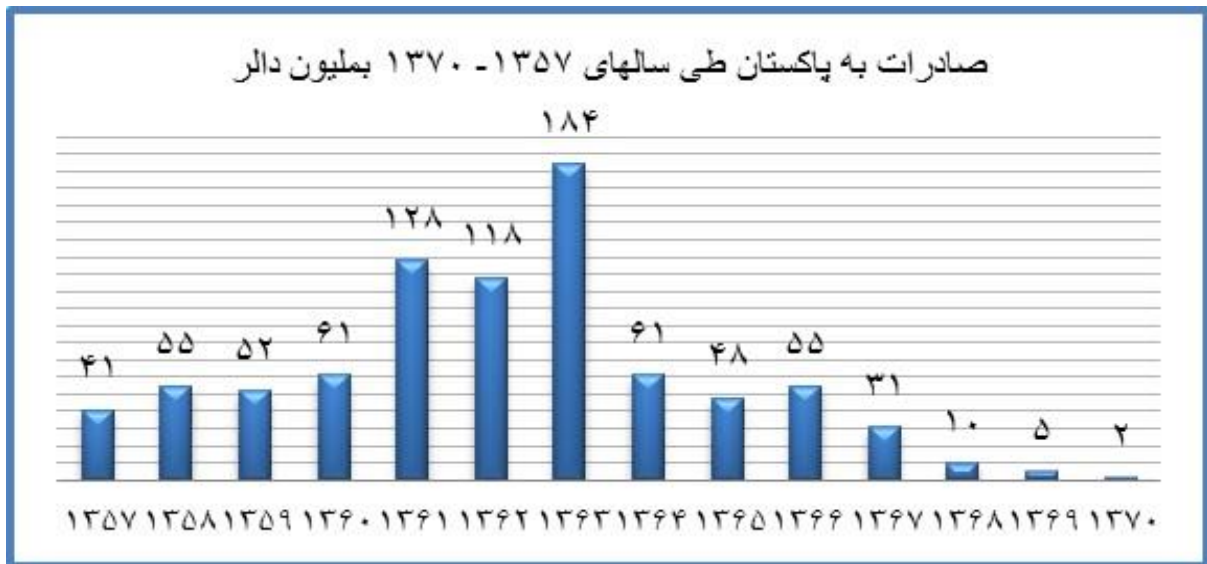
پس از چالشهای سیاسی که سایه مرگباری بر روابط تجاری افغانستان گذاشته و صدمات جبران ناپذیری بر تجارت طرفین بجا گذاشت، به همت و میانجیگری محمد رضا شاه پادشاه وقت ایران، هر دو جانب حاضر شدند روابط خویش را در عرصه های مختلف دوباره از سر گیرند و تجارت بین هر دو کشور علیرغم آنکه اختلافات جدی به حال خود باقیماند، در سطح نازل اما بصورت نسبی روال عادی را میبیمود و صادرات افغانستان به پاکستان در وضع بهتری قرار داشت. طی سالهای ۵۰ و اوایل ۶۰ هجری شمسی، قبل از آغاز مداخلات علنی پاکستان در کشور و بروز اختلافات جدی و تشدید چالشهای سیاسی، تجارت میان هر دو کشور در سطح نازل اما بصورت نسبی ادامه داشت و صادرات افغانستان به پاکستان در وضع بهتری قرار گرفت. چنانچه از جدول ذیل هویداست صادرات افغانستان به پاکستان از سال ۱۳۵۷ الی سال ۱۳۶۳ در حال افزایش دیده میشود و پس از آن به سقوط آنی مواجه گردیده و بطرف کاهش سوق یافته است،

چنانچه در سال ۱۳۶۴ رقم صادرات به ۶۱ میلیون دالر کاهش یافته که در مقایسه با صادرات سال ۱۳۶۳ (۱۸۴ میلیون دالر) تنزیل سه مرتبه‌ی را نشان میدهد.



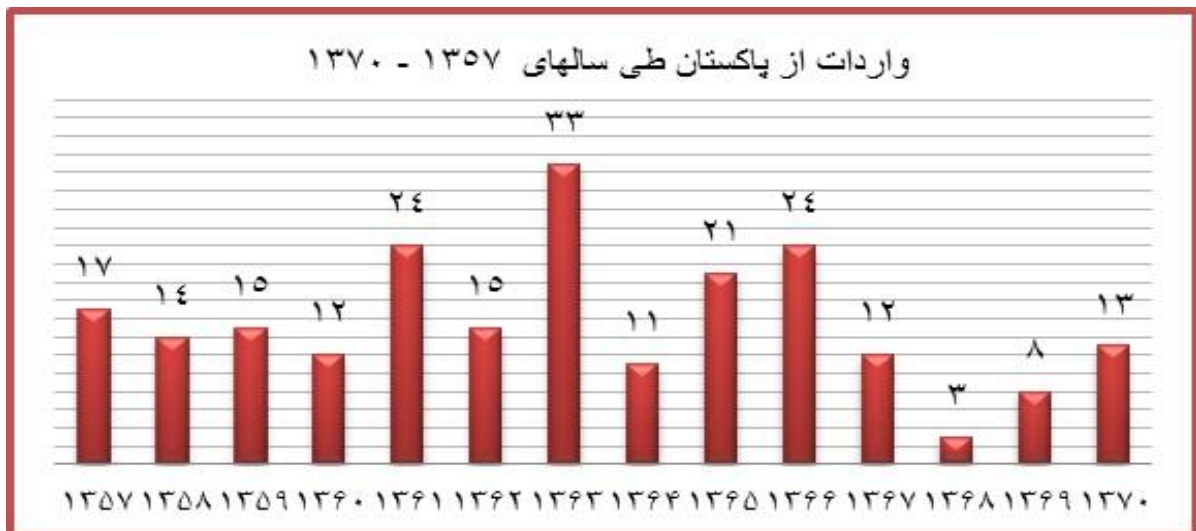
منبع: اداره احصائیه مرکزی

صادرات به پاکستان از سال ۱۳۶۴ به بعد، پیوسته در حال تنزیل بوده و در سال ۱۳۷۰ به ۲ میلیون دالر رسیده است که نازلترین سطح صادرات بین دو کشور را در چهل سال گذشته تشکیل میدهد. طی این دوره اوسط صادرات سالانه افغانستان به پاکستان به حدود ۶۱ میلیون دالر میرسد در حالیکه اوسط واردات رسمی از پاکستان طی ۱۴ سال رقم ۱۵/۸ میلیون دالر را نشان میدهد. ارقام فوق بیانگر آنست که صادرات کشور درین دوره به پاکستان علیرغم مزاحمت های معمول و روابط پرتنش سیاسی بین هر دو کشور، طور اوسط سالانه در مقایسه با واردات چهار مرتبه بیشتر بوده است. عواملی که درین دوره پس از سال ۱۳۶۳، باعث کاهش شدید صادرات افغانستان به پاکستان گردیده است میتواند شامل چالشهای امنیتی، بندش راه ها، کاهش تولیدات داخلی، ترک پیشه یکتعداد تجار از فعالیت تجاری نسبت عدم موجودیت امنیت و ایجاد مزاحمت های تصنعی پاکستان اعم از سرحدی، گمرکی، ترانسپورتی و ترانزیتی و در نهایت روابط پرچالش سیاسی و قابل انفجار بین هر دو کشور بوده باشد. صادرات به پاکستان درین دوره بین ۲ الی ۱۸۴ میلیون دالر در نوسان بوده و بلندترین رقم صادرات به مبلغ ۱۸۴ میلیون دالر در سال ۱۳۶۳ صورت گرفته است. ارقام صادرات در جدول ذیل بیانگر آنست که صادرات در سال ۱۳۷۰ در مقایسه با سال ۱۳۵۷ حدود ۲۰ مرتبه و در مقایسه صادرات سال ۱۳۶۳، ۹۲ مرتبه را به نمایش میگذارد. درحالیکه روابط سیاسی بین هر دو کشور به شکل کجدار و مریز ادامه یافته اما صادرات به پاکستان به لبه پرتگاه رسیده است. صادرات به پاکستان از سال ۱۳۶۴ به بعد، پیوسته در حال تنزیل بوده و در سال ۱۳۷۰ به ۲ میلیون دالر رسیده است که نازلترین سطح صادرات بین دو کشور را در چهل سال گذشته تشکیل میدهد.



منبع: اداره احصائیه مرکزی

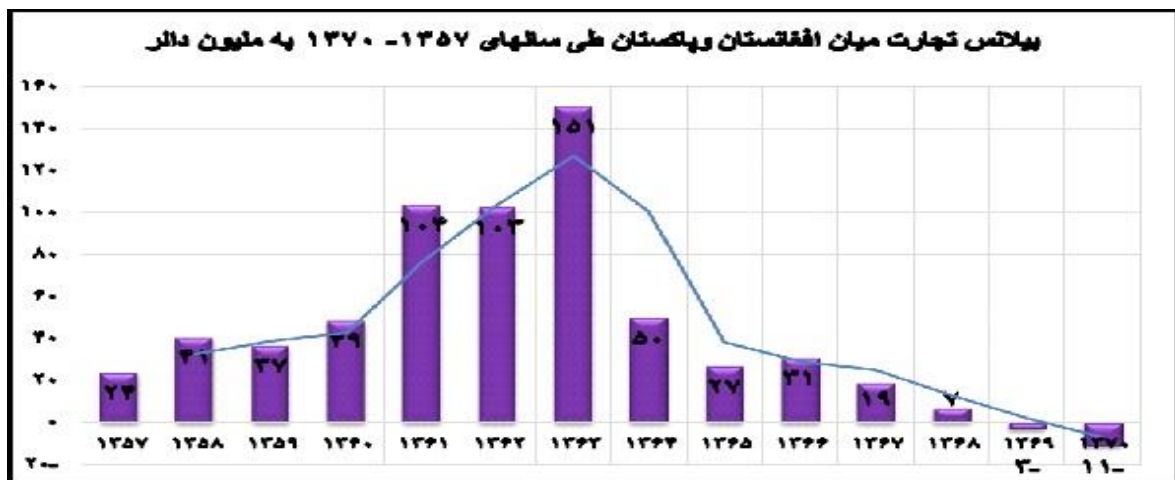
طی این دوره اوسط صادرات سالانه افغانستان به پاکستان به حدود ۶۱ میلیون دالر میرسد در حالیکه اوسط واردات رسمی از پاکستان طی ۱۴ سال رقم ۱۵/۸ میلیون دالر را نشان میدهد. ارقام فوق بیانگر آنست که صادرات کشور درین دوره به پاکستان علیرغم مزاحمت های معمول و روابط پرتنش سیاسی بین هر دو کشور، طور اوسط سالانه در مقایسه با واردات چهار مرتبه بیشتر بوده است.



منبع: اداره احصائیه مرکزی

یک بخشی از اقلام صادراتی این دوره را کالاهای مانند تلویزیون، یخچال، تایر و تیوپ، پرزه جات موترهای تیوتا، بطری و غیره تشکیل میداد که از افغانستان به پاکستان ری اکسپورت میگردد. طوریکه مشهود است واردات طی سالهای

مورد ارزیابی از پاکستان بنابر محدودیت های منابع تولیدی درین دوره در آن کشور در سطح نازلتر صورت میگرفت. واردات رسمی درین دوره از پاکستان که موجدزهای را از سرگذشتانده، با وصف تنشهای سیاسی بین هر دو کشور که بر تجارت طرفین تاثیرگذار بوده، دوام یافته است. واردات از پاکستان طی این مدت، بین ۳ الی ۳۳ میلیون دالر تموج داشته است. در آخرین سال این دوره (سال ۱۳۷۰) واردات بالغ بر ۱۳ میلیون دالر گردیده که در مقایسه با واردات سال ۱۳۵۷ (۱۷ میلیون دالر) کاهش ۴ میلیون دالر یا ۲۳.۵۳ فیصد را نشان میدهد، اما ارقام واردات غیررسمی از پاکستان بدسترس نیست. قابل یاددهانی میباشد که درین دوره برخلاف سایر دوره ها، بیلانس تجارت رسمی بین هر دو کشور طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۷۰ عمدتاً مثبت و به نفع جانب افغانی به ثبت رسیده و صرف در سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ به سود پاکستان تغییر میسر یافته است.

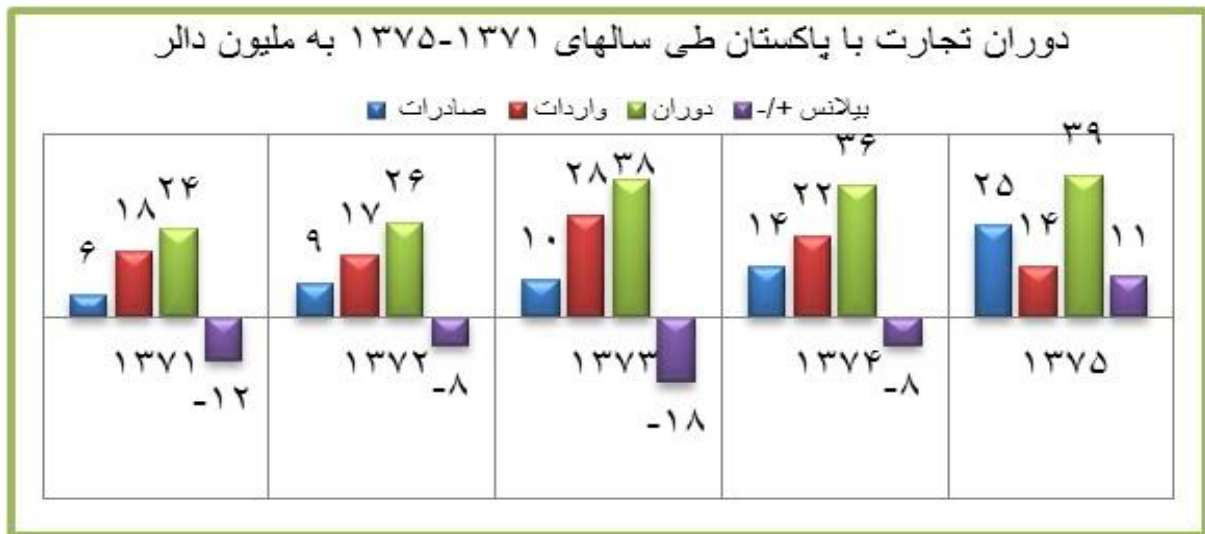


منبع: اداره احصائیه مرکزی

دوران تجارت با پاکستان طی سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۵

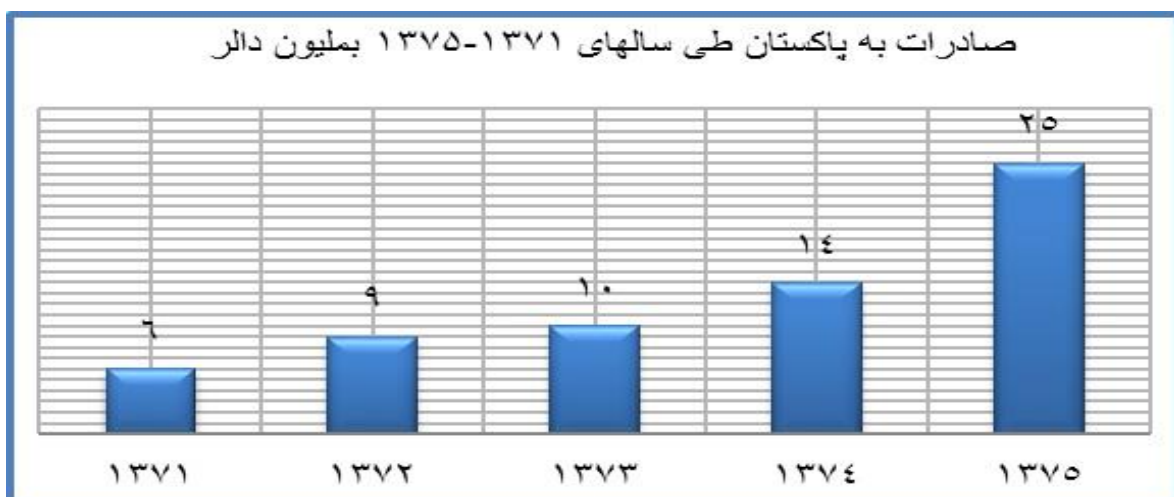
روند تجارت و تبادل اموال بین افغانستان و پاکستان در دهه ۷۰ هجری شمسی طوری است که پاکستان، شروع از سال ۱۳۷۱، از وضع پیش آمده در افغانستان به نفع خود وسیعاً استفاده برده و با شعله ور نمودن جنگها در افغانستان با تخریب زیرساختها، معدوم شدن چشمه ها و منابع تامین صادرات مانند تخریب فابریکات تولیدات صنعتی داخلی، سقوط صنایع دستی، تخریب سیستم های آبیاری و کاریزها، قطع جنگلهای جلغوزه در شرق و پسته در شمال و شمال غرب، تاکهای انگور در شمالی (که به عامل مهم در کاهش محصولات زراعتی افغانستان مبدل گردید)، و ده ها تخریبات دیگر که نقش پاکستان در آن بخوبی مشهود است، صادرات افغانستان به سقوط مواجه گردید و پاکستان توانست این کشور را آهسته آهسته به مارکیت تجارتی عرضه اموال بی کیفیت خویش مبدل نماید. در حال حاضر تفاوت بزرگ بین صادرات و واردات میان دو کشور و کسر ملیارد دالری در بیلانس تجارت افغانستان با پاکستان، بیانگر ادامه اقدامات و برنامه های استراتژیک و نامیمونیست که پاکستان برای افغانستان پیریزی نموده و از سوی دیگر با توسعه صنایع خویش در آنطرف مرز سطح تولیدات بی کیفیت و غیراستندرد را افزایش داده و امکانات صدور تمام فرآورده های صنعتی اعم از مواد غذایی و ادویه (که عاری از مصنوعیت نیز میباشد)، مواد مصرفی و ساختمانی را به پیمانهای وسیع بطور رسمی و

به شکل قاجاق به افغانستان تدریجاً فراهم ساخته است. درین دوره (۱۳۷۱-۱۳۷۵) که دوره تخریب و بربادی افغانستان است دوران تجارت با پاکستان از ۲۴ ملیون دالر به ۳۹ ملیون دالر ارتقاء نموده که آغازکار است.



منبع: اداره مرکزی احصائیه

البته این افزایش که سیر صعودی دارد از بابت ازدیاد واردات از پاکستان رخ داده است. گرچه صادرات خودجوش افغانستان از نگاه مقدار و ارزش قابل ملاحظه به نظر نمی خورد اما با وجود فکتورهای فوق و نارامی ها در کشور، از رشد نسبی و دوامدار برخوردار بوده است، چنانچه مجموع صادرات کشور به پاکستان در سال ۱۳۷۵ بمبلغ ۲۵ ملیون دالر قید گردیده که افزایش بیشتر از ۴ برابر را در مقایسه با صادرات سال ۱۳۷۱ نشان میدهد که مقارن با ورود مجاهدین به کابل میباشد.

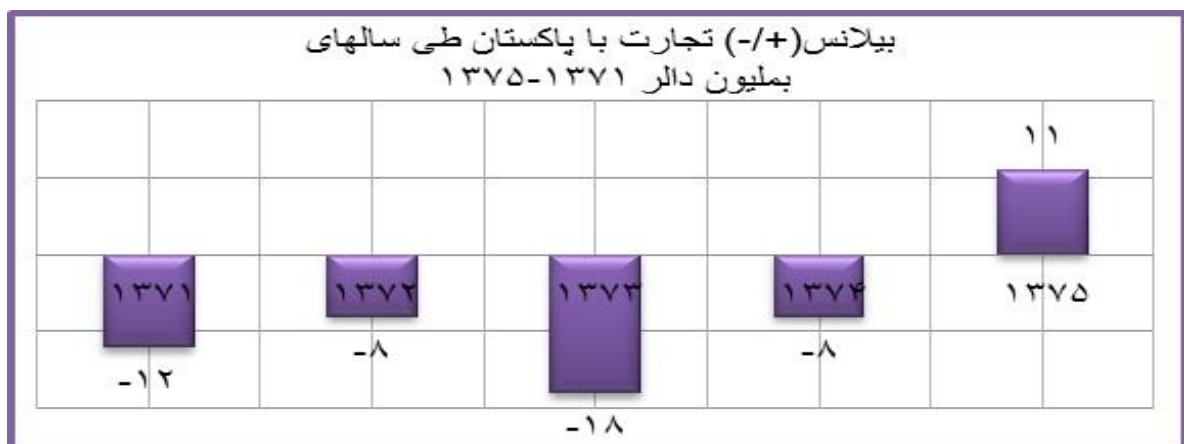


منبع: اداره مرکزی احصائیه



منبع: اداره مرکزی احصائیه

واردات رسمی از پاکستان که در آغاز این دوره (سال ۱۳۷۱) به ۱۸ میلیون دالر بالغ میشد. پس از فراز و نشیب ها، در ختم این دوره (سال ۱۳۷۵) به ۱۴ میلیون دالر تقلیل یافته است. طی سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۵ اوسط ارزش واردات رسمی سالانه ازین کشور حدود ۱۹ میلیون دالر به ثبت رسیده است درحالیکه در همین دوره اوسط صادرات سالانه به پاکستان به ۱۲.۸ میلیون دالر میرسد.

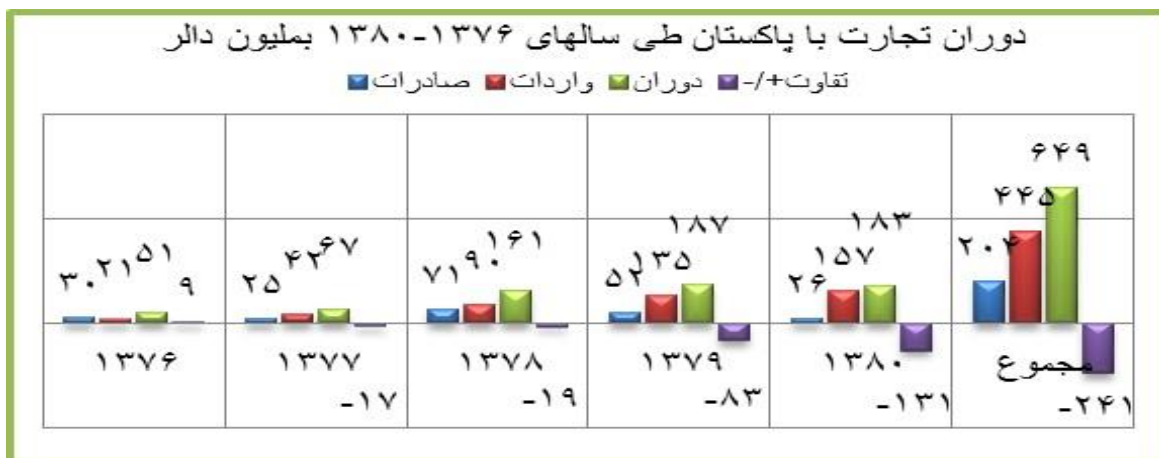


منبع: اداره مرکزی احصائیه

بیاننس تجارت درین دوره در چهار سال اول منفی و در مجموع به نفع پاکستان به ثبت رسیده است، اما در سال اخیر این دوره در اثر کاهش نسبی واردات به سمت مثبت تغییر مسیر یافته است. ارقام متذکره نمایندگی از تجارت رسمی بین هر دو کشور مینماید، درحالیکه تجارت غیر رسمی بخصوص در بخش واردات بازار گرم داشت اما ارقام آن بدسترس قرار ندارد.

دوران تجارت با پاکستان طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۰

از جدول پائین معلوم میشود که میزان مجموعی دوران تجارت با پاکستان طی ۵ سال زمان حاکمیت طالبان بالغ بر ۶۴۹.



منبع: اداره مرکزی احصائیه

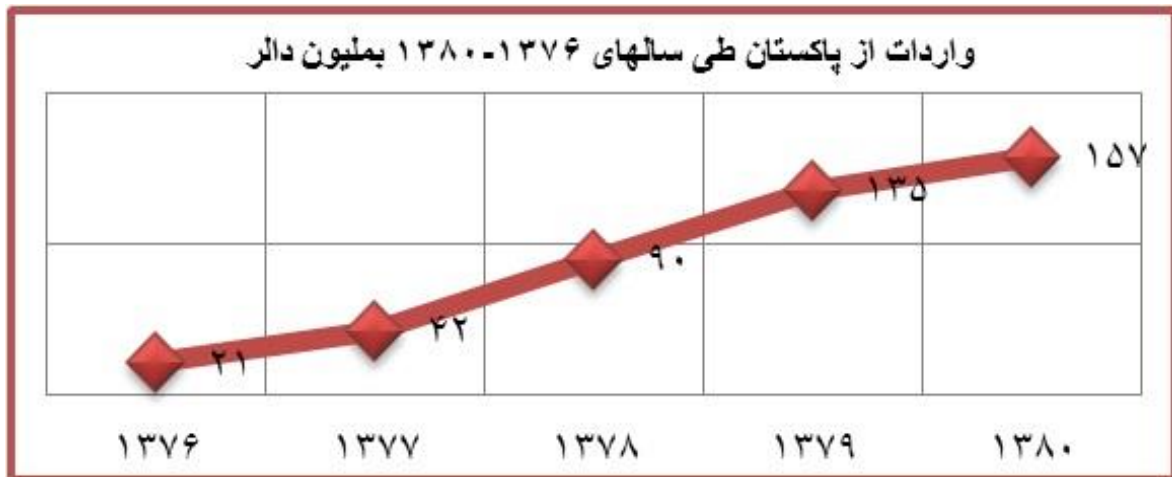
میلیون دالر گردیده که در مقایسه با دوران تجارت با پاکستان در دوره مجاهدین که جمعاً بالغ بر ۱۶۳ میلیون دالر میگردد یک جهش حدود ۴ مرتبه را نشان میدهد و این وضع گویای آنست که دوران تجارت در دوره طالبان بهبود نسبی یافته است از جمله مبلغ ۶۴۹ میلیون دالر دوران تجارت با پاکستان درین دوره مبلغ ۴۴۵ میلیون دالر آنرا واردات و مبلغ ۲۰۴ میلیون دالر آنرا صادرات تشکیل میداد و طوریکه دیده میشود واردات نسبت به صادرات از دیاد ۲۱۴/۱۴ فیصد را نشان میدهد.



منبع: اداره مرکزی احصائیه

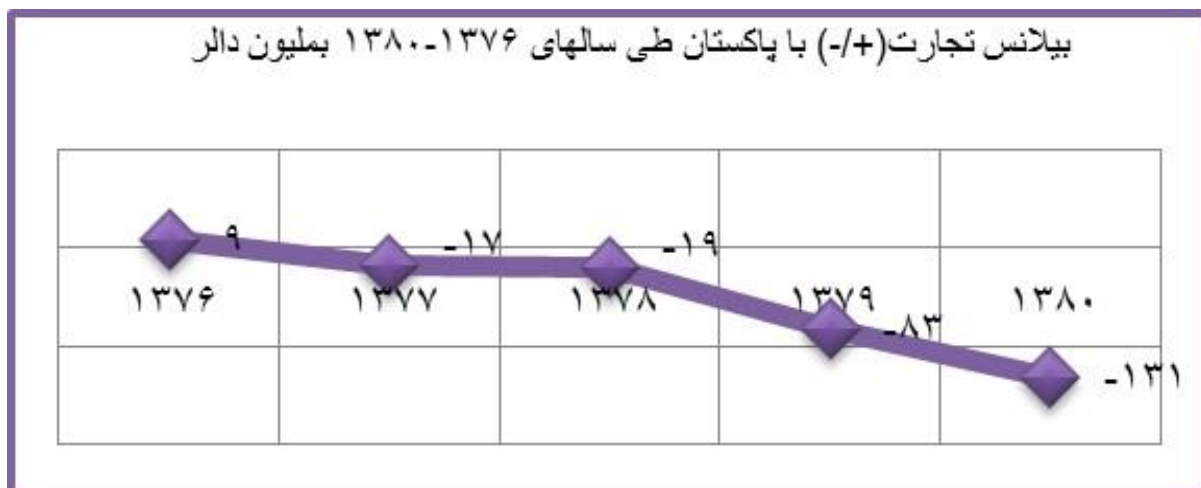
طی این دوره، دوران اموال با پاکستان از ۵۱ میلیون دالر در سال ۱۳۷۶ به ۱۸۳ میلیون دالر در سال ۱۳۸۰ ارتقاء یافته که آهنگ رشد آن ۳/۵۹ مرتبه میباشد. هرگاه واردات سال ۱۳۸۰ با صادرات همین سال مقایسه شود، تفاوت ۶ مرتبه را به نفع واردات نشان میدهد. در دوران حاکمیت طالبان بنابر عوامل مکتوم، طوریکه معلوم است پول افغانی بچاپ

نرسید و برخلاف میدان برای چلند یا گردش کددار پاکستانی و تومان ایرانی بازگردید و اکثریت دادوستد تجارتي در سراسر کشور با پول های بيگانه ها صورت ميگرفت که اين رسم نادرست تا به حال در بسياري از ولايات مرزي ادامه دارد و بانک مرکزی و ارگانهای امنیتی نتوانسته اند جلو اين خودسري ها را بگيرند. صادرات به پاکستان درحاليکه طی اين دوره هم ثابت لازم نداشت اما نسبت به دوره مجاهدين تحول نسبي را نشان ميدهد. کمترین رقم صادرات به مبلغ ۲۵ ميليون دالر در سال ۱۳۷۷ و بلند ترين رقم مبلغ ۷۱ ميليون دالر در سال ۱۳۷۸ به ثبت رسیده است.



منبع: اداره مرکزی احصائيه

واردات در سال ۱۳۸۰ به تناسب سال ۱۳۷۶ حدود هفت و نیم مرتبه افزایش یافته است که يك امر تصادفی نبوده و چنین معلوم میشود که اقدامات هدمند و برنامه ریزی شده پاکستان به تدریج جامه عمل مپوشد، چنانچه بیلانس تجارت پس از سال ۱۳۷۶ منفی و کسر بیلانس الی سال ۱۳۸۰ آخرین سال قدرت طالبان به نفع پاکستان در حال ازدیاد میباشد. بیلانس تجارت در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۱۳۱ ميليون دالر گردیده است که از سال ۱۳۷۷ به بعد رشد منفی داشته است.

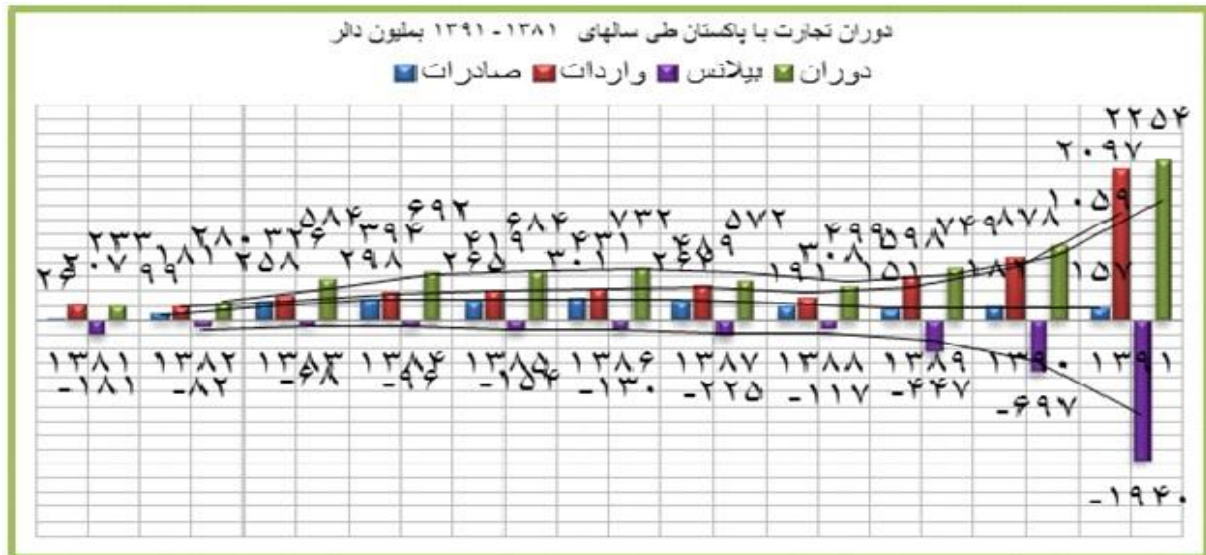


منبع: اداره مرکزی احصائيه

ارقام فوق بیانگر این واقعیت است که درین دوره بنابر فقدان دولتداری درست، عدم موجودیت برنامه های کاری در تجارت و اقتصاد از یکطرف و موجودیت فشارها و مداخلات مرئی و نامرئی بیگانگان از جانب دیگر، یکنوع تسلط غیرملموس در تجارت افغانستان در حال شکل گرفتن دیده میشود که در دوران تجارت طی سالهای بعدی تأثیرات منفی بجا گذاشته و زمینه ساز ازدیاد هرچه بیشتر کسر بیلانس تجارت گردیده است.

دوران تجارت با پاکستان طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۹۱

درین دوره که دولت جدید در افغانستان مستقر و تلاشها در جهت بهبود تجارت و احیای دوباره صادرات آغاز گردید،



ارقام: اداره مرکزی احصائیه

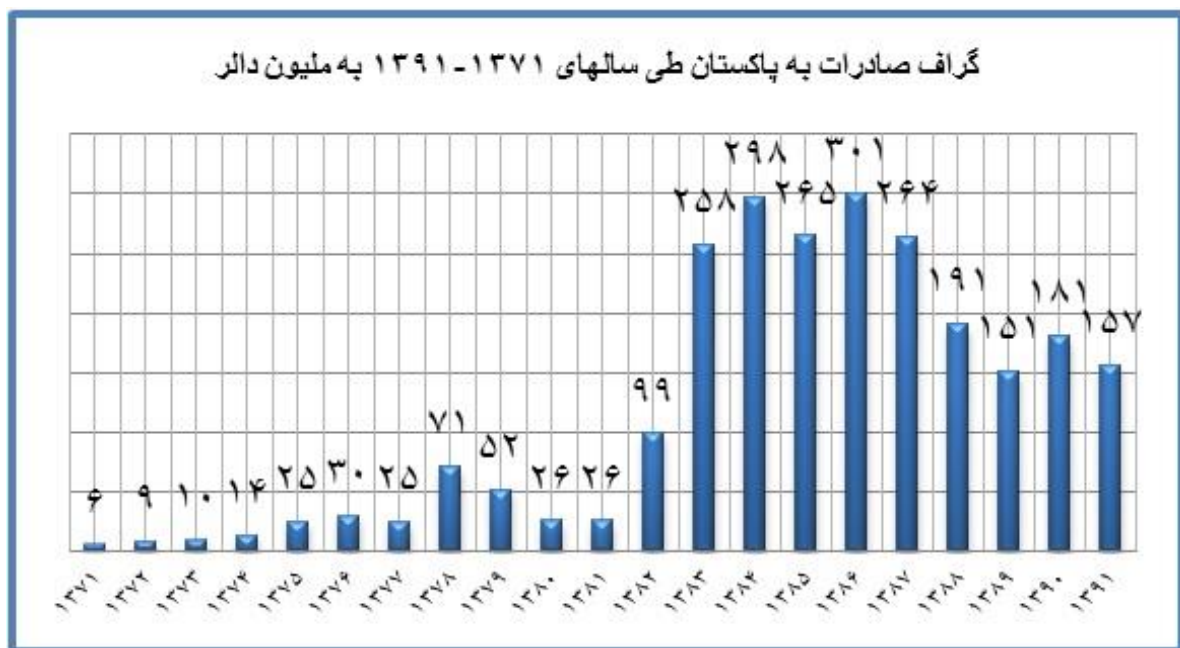
دوران تجارت با پاکستان در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی (۲۳۳ میلیون دلار) در مقایسه با دوران تجارت با سال ۱۳۸۰ هـ ش (۱۸۳ میلیون دلار) از دیاد ۱۲۷ فیصد را نشان میدهد.

دوران تجارت با پاکستان طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۹۱ از ۲۳۳ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ به ۲۲۵۴ میلیون دلار در سال ۱۳۹۱ صعود نموده که رشد ۹/۶۷ مرتبه را طی یازده سال نشان میدهد. پس از ایجاد دولت موقت در دوران تجارت با پاکستان بهبود قابل ملاحظه دیده میشود. یکی از ویژگی های این دوره رشد با ثبات و مستمر دوران تجارت میباشد که در تمام این دوره سیر صعودی داشته است.

حجم صادرات در سال اول دولت موقت، در سطح سال ۱۳۸۰ به مبلغ ۲۶ میلیون دلار باقی مانده و کدام تغییری بوجود نیامده و شاخص صادرات درین دوره با سپری نمودن مدوجذره های از ثبات نسبی برخوردار گردیده است. میزان صادرات در حالیکه الی مبلغ ۳۰۱ میلیون دلار در سال ۱۳۶۸ صعود داشته اما نهایتاً در سال ۱۳۹۱ به مبلغ ۱۵۷ میلیون دلار کاهش یافته است. حجم صادرات علیرغم پائین بودن مقدار و ارزش آن، در سال ۱۳۹۱ در مقایسه با سال ۱۳۸۱ افزایش ۶۰۴ مرتبه را نشان میدهد.

واردات سال ۱۳۹۱ در مقایسه با ۱۳۸۱ جهش ۱۰۱۳ فیصد یا افزایش ده برابر را نشان میدهد و آهنگ رشد واردات این دوره نسبت به صادرات عمدتاً سریع، صعودی و مستمر میباشد. چنانچه این شاخص در سال ۱۳۹۱ از لحاظ ارزش

به مبلغ ۲۰۹۷ میلیون دالر رسیده که به تناسب یک سال قبل یا سال ۱۳۹۰ یک رشد سریع بیشتر از دو چند را به نمایش میگذارد. در تمام این دوره کسر بیلانس تجارت بین دو کشور در حال افزایش و البته به ضرر افغانستان است. رقم کسر بیلانس که در سال ۱۳۸۱ به ۱۸۱ میلیون دالر میرسید در سال ۱۳۹۱ این مبلغ به ۱۹۴۰ میلیون دالر رسیده و صرفاً تفاوت کسر بیلانس تجارت بین سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۲۴۳ میلیون دالر گردیده است که این موضوع قابل تأمل جدی میباشد. طوریکه به وضاحت بنظر میرسد با تأسف بنابر رشد سریع واردات نسبت به صادرات همه ساله کسر بیلانس تجارت با پاکستان در حال فربه شدن است. هرگاه روند تجارت خارجی با پاکستان طی بیست سال گذشته مورد ارزیابی قرار داده شود، میتوان تغییرات بزرگی را در دوران تجارت با پاکستان مشاهده کرد که ناشی از افزایش سرسام آور واردات پدید آمده است. قسمیکه قبلاً اشاره شد، دوران تجارت در سال ۱۳۷۱ به ۲۴ میلیون دالر میرسید که ازین جمله ۱۸ میلیون دالر واردات و ۶ میلیون دالر صادرات را احتوا مینمود.

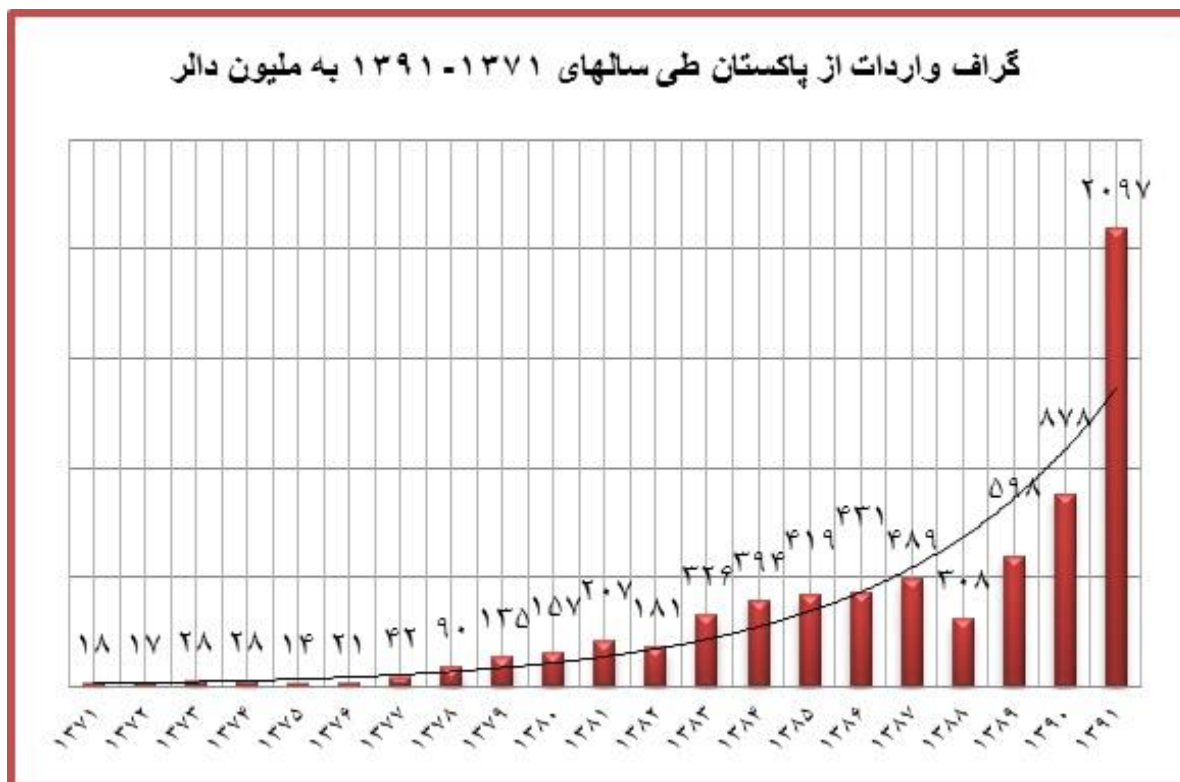


ارقام: احصائیه مرکزی

این ارقام اساس تجارت بیست سال قبل را تشکیل میدهد و طوریکه بملاحظه میرسد با وجود ارزش پائین دوران تجارت، صادرات درین سال صرف ۳۳٪ واردات را تشکیل میدهد. هرگاه دوران تجارت سال ۱۳۹۱ هـ ش (۲۲۵۴ میلیون دالر) با سال ۱۳۷۱ هـ ش (۲۴ میلیون دالر) مقایسه شود، در ظرف ۲۰ سال، دوران تجارت با پاکستان جهش ۹۴ مرتبه را نشان میدهد که چنین ازدیاد دوران تجارت بین دو کشور سابقه نداشته است. در ده سال اول بنابر مشکلات داخلی، ناامنیها و تخریب زیربناها دوران تجارت بخصوص صادرات با پاکستان در وضع خوبی قرار نداشته است.

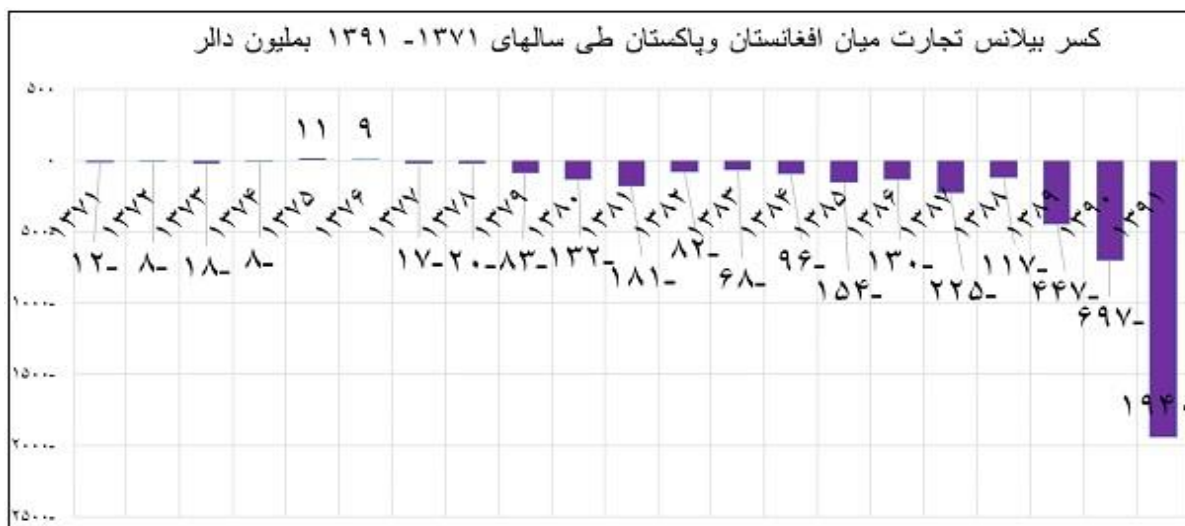
میزان صادرات سال ۱۳۹۱ هـ ش (۱۵۷ میلیون دالر) در مقایسه با صادرات سال ۱۳۷۱ هـ ش (۶ میلیون دالر) ازدیاد ۲۶ مرتبه را در ظرف ۲۰ سال نشان میدهد. لازم به تذکر است که ارقام فوق به رغم آنکه افزایش را نشان میدهد اما حجم صادرات به پاکستان از لحاظ کمیت و ارزش حقیقی در سطح نازل قرار داشته و در حدی نیست که با واردات از

پاکستان رقابت نماید. سطح نازل در صادرات کشور طی چند سال متوالی بخصوص طی سالهای اول این دوره به مفهوم تخریب هدفمند چشمه ها و منابع تامین صادرات، ارتقای سطح بیکاری و افزایش فقر در افغانستان بشمار میرود. واردات در سال ۱۳۷۱ صرف ۱۸ میلیون دالر بود، این رقم در سال ۱۳۸۰ به ۱۵۷ میلیون دالر رسیده است که طی ده سال افزایش حدود ۹ مرتبه را نشان میدهد. واردات از پاکستان در سال ۱۳۸۱ که نخستین سال ایجاد دولت موقت میباشد به ۲۰۷ میلیون دالر بالغ میشد اما این رقم به طور غیرمنتظره در سال ۱۳۹۱ به ۲۰۹۷ میلیون دالر صعود نموده است. هرگاه رقم واردات سال ۱۳۹۱ (۲۰۹۷ میلیون دالر) با ۱۸ میلیون دالر در سال ۱۳۷۱ مقایسه شود، جهش یک باره گی حدود ۱۱۷ مرتبه را به نمایش میگذارد. ارقام ذکر شده، واردات رسمی از پاکستان میباشد، درحالیکه در کنار واردات رسمی واردات غیررسمی و قاچاق نیز وجود دارد که به ارزش چند صد میلیون دالر از مرزهای این کشور همه ساله به افغانستان سرازیر میگردد. از جانب دیگر هرگاه واردات از پاکستان در سال ۱۳۷۱ هـ ش (۱۸ میلیون دالر) با صادرات همان سال (۶ میلیون دالر) مقایسه گردد، برتری ۳ مرتبه را بر صادرات میرساند، اگر این شاخص در سال ۱۳۹۱ باهم مقایسه شود، واردات (۲۰۹۷ میلیون دالر) بر صادرات (۱۵۷ میلیون دالر) تفوق ۱۳/۳ مرتبه را نشان میدهد، یابعباره دیگر صادرات به پاکستان حدود ۷ درصد واردات سال ۱۳۹۱ از پاکستان را تشکیل میدهد که رقم بسیار ناچیز را در مقایسه با واردات احتوا مینماید و چنین تناسب بین صادرات و واردات در جریان سالهای پس از ایجاد پاکستان سابقه نداشته است.



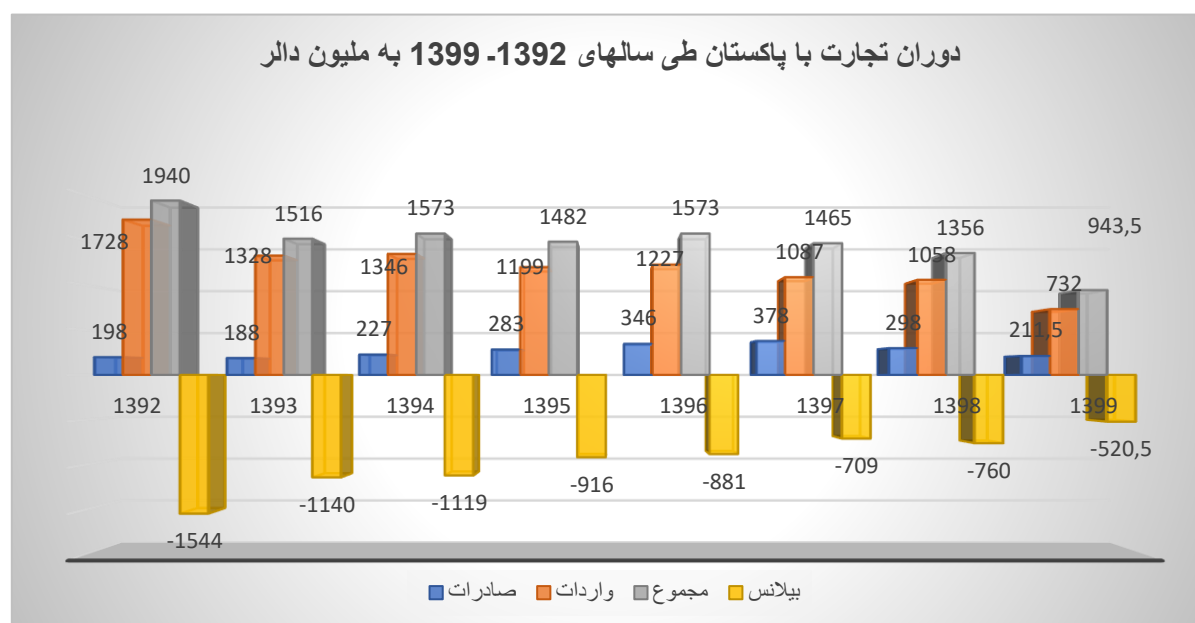
لازم به یادآوری است که بخش کوچکی از این واردات را، محصولات و امتعه افغانی مانند کچالو، پیاز و غیره تشکیل میدهد که نسبت عدم موجودیت سردخانه ها در کشور از جانب دلالات و تجار پاکستانی به قیمت ارزان خریداری گردیده

و بعد از ختم موسم جمع آوری محصولات زراعتی، بخصوص در زمان زمستان دوباره به قیمت‌های به مراتب بلندتر از قیمت اصلی به افغانستان ری اکسپورت میشود. تجارت درین دوره بیست ساله بجز سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶، در تمام این دوره کسری و به نفع پاکستان بوده است. چنین کسر بیلانس که در نوع خود بی پیشینه میباشد. این تجارت نابرابر که به سود پاکستان و ضرر افغانستان میباشد، و باوجود یک سلسله نارضائیت های مردم و تجار ادامه دارد، و طوریکه بملاحظه میرسد یک امر تصادفی نبوده و براساس یک برنامه کاملاً مدون صورت میگیرد و ریشه آن در اهداف استراتژیک این کشور در افغانستان نهفته است.

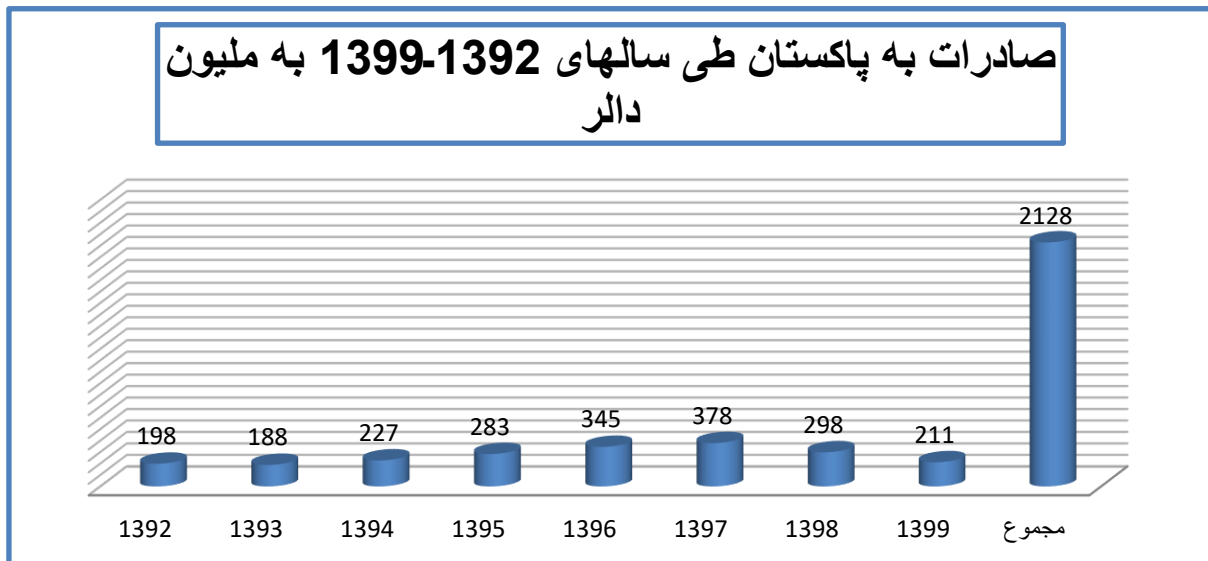


ارقام: احصائیه مرکزی

دوران تجارت با پاکستان طی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۹۹ قابل یادآوری است که هر کشوری تلاش دارد تا از طریق رشد و توسعه صادرات وضع اقتصاد کشور خویش را رونق بخشیده و اسعار بیشتر در جهت توسعه سرمایه گذاری ها،

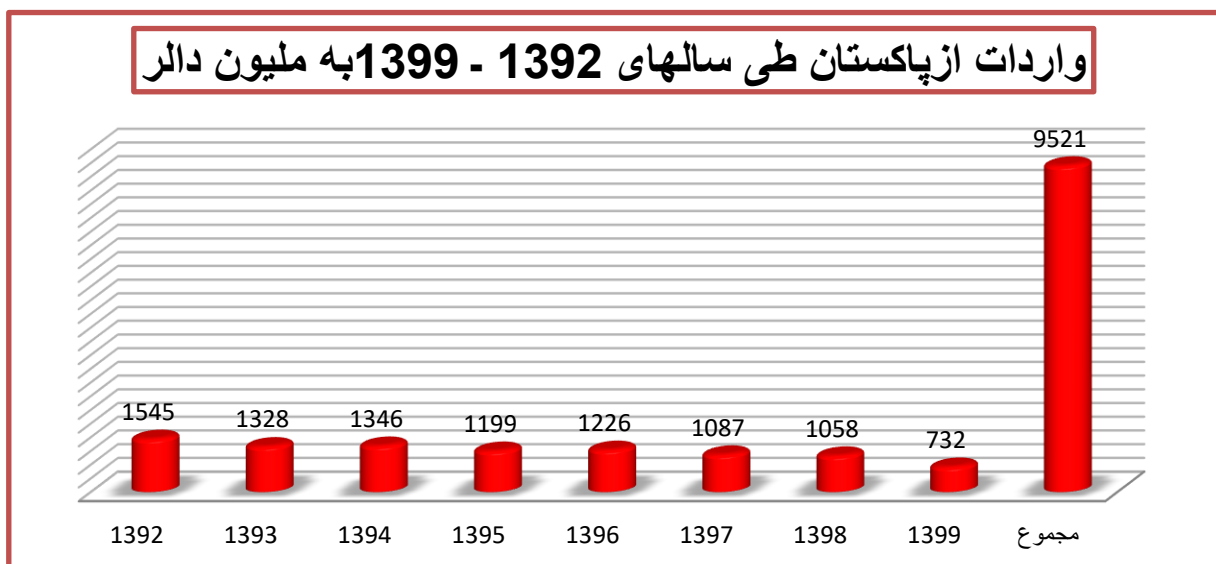


انکشاف اقتصادی، ایجاد کار و بلند بردن سطح زندگی مردم خویش بدست آورد که یک امر کاملاً طبیعی است. بنابراین، وضع موجود و حاکم در تجارت بین افغانستان و پاکستان نیز به همین شیوه به پیش می‌رود. اما فراموش نباید کرد که عدم موجودیت استراتژی انکشاف اقتصادی در کشور، کمبود و یا نبود انرژی بخصوص برق، مشکلات در زیربنایها،



مشکلات در قوانین، فرار سرمایه بعوض جذب آن، عدم بازسازی و فعال ساختن بموقع تصدی های تخریب شده تولیدی، بیروکراسی و بغرنج بودن روند طی اسناد، و دهها چالش دیگر از جمله عوامل عقب مانی درپروسه ای صادرات اند.

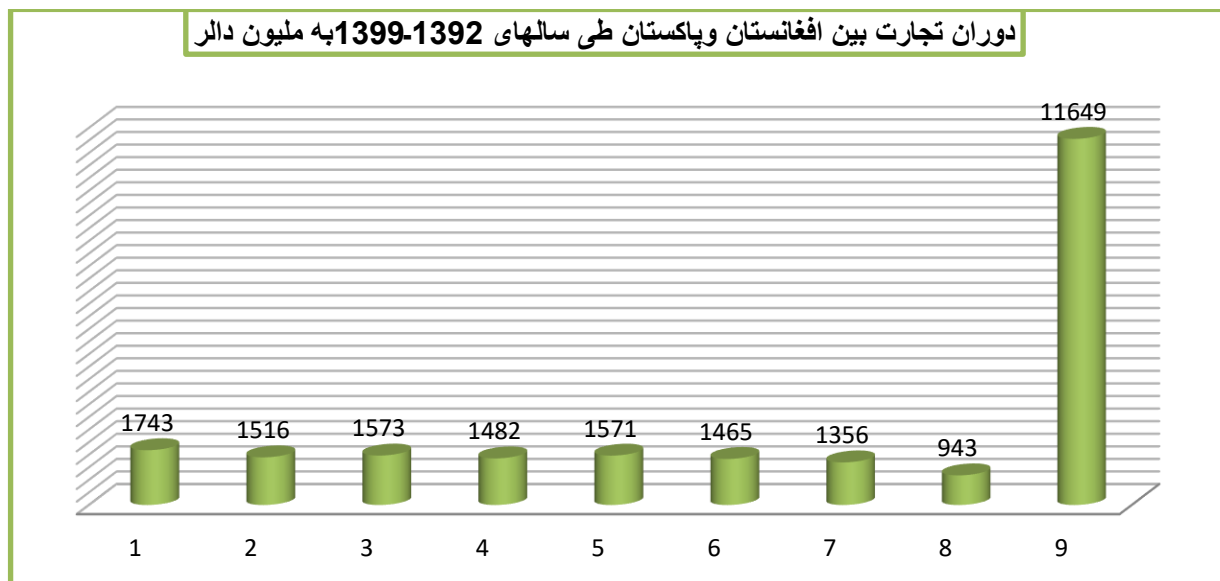
از جانب دیگر درسالهای اخیرما شاهد سرمایه گذاری های نسبی خصوصی بوده ایم و خوشبختانه به همت این اقدام سکتور خصوصی افغانستان، امکانات خودکفائی حدود ۵۶ قلم تولیدی میسر گردیده و چه بسا اینکه ورق برگشته و همان



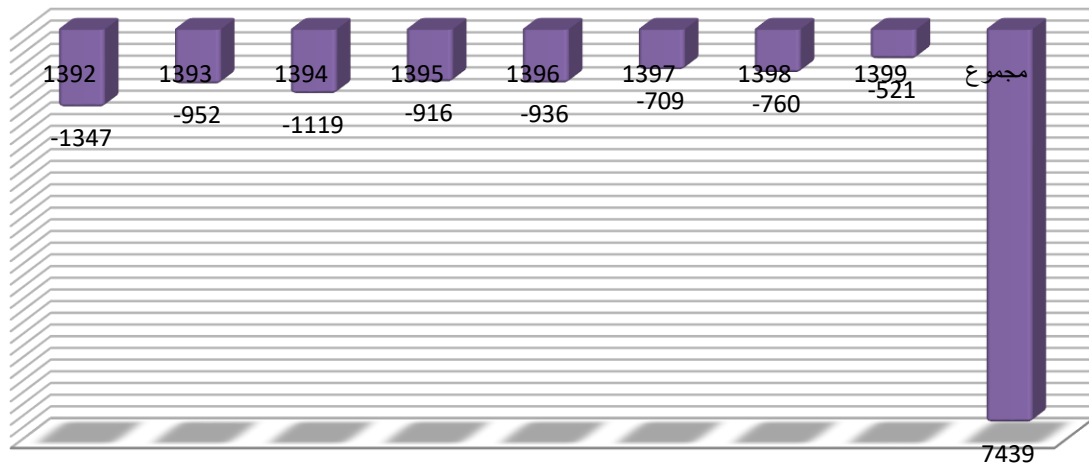
اقلامیکه از پاکستان وارد میشود امروز به پاکستان صادر میگردد، اما افغانستان هنوز در ابتدائی ترین پله های این رقابت

بزرگ قرارداد و علیرغم موجودیت غنایم بزرگ و دست ناخورده هنوز در سطح نیست که بتواند ضرورت های داخلی را مرفوع و منابع مهم صادراتی را ایجاد کند.

هرگاه در ۲۰ سال گذشته اقدامات جدی در توسعه سرمایه گذاری و احیای دوباره فابریکه های سمنت، نساجی، آسیاب ها جهت تولید آرد، بوت دوزی و غیره صورت میگرفت و سطح تولیدات داخلی ارتقاء و افغانستان به خود کفائی میرسید، ضرورت به این همه اموال وارداتی از پاکستان نمی بود و از توريد آن جلوگیری میشد. بنابراین افغانستان به یک کشور وارداتی و مصرفی مبدل گردیده و کشور های دیگر تلاش دارند درین مارکیت روبه رشد جایگاه خاص خود را داشته باشند که کشور پاکستان یکی از آنها و نزدیکترین آنها میباشد و هرگاه در متوازن ساختن بیلانس تجارت با این کشور اقدام عاجل و هدفمند صورت نگیرد، این خود شرایط را در امر افزایش توريد کالاهاى بی کیفیت پاکستانی و غرق نمودن هرچه بیشتر افغانستان در اقتصاد مصرفی هموارتر ساخته و افغانستان را عمداً از ایجاد اقتصاد "تولید محور" بدور نگه می دارد. از تحلیل تجارت این دوره با پاکستان، طوریکه ارقام نشان میدهد، دوران تجارت بین هر دو کشور طی سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ به ۱۱.۶ میلیارد دالر بالغ میگردد که از جمله واردات به مبلغ ۹.۵ میلیارد دالر و صادرات به ارزش ۲.۱ میلیارد دالر بوده است. به سخن دیگر واردات طی این دوره حدود ۸۲ درصد و صادرات ۱۸ درصد دوران تجارت را احتوا میدارد و طوریکه مشهود است بیلانس تجارت به ضرر افغانستان بوده و طی این مدت به ۷.۴ میلیارد دالر بالغ گردیده است.



کسریلانس تجارت بین افغانستان و پاکستان طی سالهای 1392-1399 به میلیون دالر



نتیجه گیری:

موضوع تجارت افغانستان با پاکستان و ترانزیت اموال افغانستان از طریق قلمرو پاکستان به خصوص به هندوستان به معضله جدی مبدل گردیده است که با وجود سقوط جمهوریت در افغانستان به همکاری مستقیم پاکستان و ایالات متحده امریکا و به قدرت رسیدن طالبان برای مرتبه ی دوم، این مشکل نه تنها فروکش نکرده بلکه در برخی موارد دشوارتر گردیده و نسبت عدم ثبات در گذرگاه های سپین بولدک، تورخم و غلام خان موانع بزرگی در امر انتقالات اموال تجاری افغانستان به پاکستان و همچنان اموال ترانزیتی دو طرفه کشور هنوز هم به قوت خود باقیست .

از جانب دیگر راه ترانزیتی پاکستان جهت ترانزیت اموال و کالاهای صادراتی افغانستان کوتاه ترین و ارزان ترین راه است که افغانستان را از طریق بحر به سایر نقاط جهان وصل نموده و باعث رشد و انکشاف صادرات میگردد.

روابط کجدار و مریز تجاری افغانستان با پاکستان که بیش از نیم قرن سابقه دارد از همان آغاز با چالشهای گوناگون دست با گریبان بوده است و علیرغم موجودیت کنوانسیون بین المللی پیرامون حق استفاده از ترانزیت برای کشورهای در حال رشد و محاط به خشکه (Land Locked Developing Countries) که حق افغانستان را در استفاده از راه ترانزیتی ثابت نگه میدارد، پاکستان با تخطی صریح از آن، بطور دایم در مقابل اموال تجاری و ترانزیتی افغانستان موانع ایجاد نموده است. باوصف تغییرات بزرگ در شیوه های تجارت جهانی، پاکستان هنوز هم از مزاحمتهای دوامدار و یکجانبه مانند بستن سرحدات به بهانه های مختلف، توقف بیمورد وسایط باربری در مرزها، بلند بردن تعرفه های وارداتی در موسم میوه جات تازه، اخاذی های مقامات امنیتی آن کشور در مسیر شاهراه های پاکستان که از چالشهای بسیار مهم صادرات افغانستان به پاکستان محسوب میگردد استفاده مینماید درحالیکه شیوه های جدید و نهایت مفید و مؤثر همکاریها وجود داشته و با روحیه تفاهم و همسایگی نیک و با یک اقدام جسورانه میتوان اساس همکاری ها و همگرانی را به نفع مردمان هر دو کشور تغییر داد.

معهدا پاکستان همواره در تجارت افغانستان با هندوستان مشکل آفرین بوده و سیاست های آن کشور بر همین منوال ادامه دارد. از جانب دیگر، همچنانیکه پاکستان در ترانزیت اموال افغانستان از طریق پاکستان موانع ایجاد مینماید، بدون کدام دلیل موجه تخنیکي به مالتجاره هند نیز اجازه نمیدهد تا از طریق ترانزیت پاکستان به افغانستان وارد گردد که این خود باعث بلند رفتن قیمت های اموال وارداتی افغانستان از هند میگردد. در واقع پاکستان از امکانات ترانزیتی پاکستان بین افغانستان و هند بطور دایم منحصی یک افزار فشار و تهدید سیاسی استفاده نموده و مسایل تجاری و ترانزیتی با همسایه گان خویش را در گرو سیاست منفیگرایانه خویش قرار داده است. چنین اقدامات غیردوستانه حتی میتوان گفت خصمانه در تضاد با موافقتنامه های دوجانبه، چند جانبه و کنواسیون های معتبر بین المللی میباشد که از این کشور یک چهره خشن و مخالف موازین و حقوق بین الدول بوجود آورده، و با این برخورد نه تنها ضربات اقتصادی را به همسایگان وارد میسازد، بلکه خودش نیز متحمل خسارات بزرگ گردیده و درین آتشی که خود شعله ور ساخته میسوزد. به هر حال همسایه بودن با یک کشوری که حتی شرارت پیشه هم باشد، بنابر ضرورت ها و نیاز های ملی، ناگذیر باید آنرا پذیرفت و راه منطقی آنست که روابط سیاسی و اقتصادی باید تداوم داشته باشد. چنانچه طوریکه گفته آمدیم، تجارت با پاکستان منحصی یک ضرورت ادامه دارد و طوریکه ارقام نشان میدهند بنابر اقدامات یک جانبه پاکستان و ایجاد مزاحمت در تجارت بین دوکشور، دوران تجارت از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ سیر نزولی داشته و از ۱.۹ میلیارد دالر به ۹۴۳ میلیون دالر سقوط نموده است که تقلیل بیشتر از ۵۰ درصد را ارائه میدارد. به همین ترتیب واردات از ۱.۷ میلیارد دالر به ۷۳۲ میلیون دالر کاهش یافته، اما صادرات صرف نظر از فراز و نشیب های که داشته است از ۱۹۸ میلیون دالر به ۲۱۱.۵ میلیون دالر ارتقاء نموده است و در نتیجه کسر بیلانس از ۱.۴۷ میلیارد دالر به ۵۲۱ میلیون دالر تقلیل یافته است. ختم